

انسان تراز انقلاب اسلامی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سیدنورالدین بهروزی نیک^۱

^۱ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران.

چکیده

انسان تراز کسی است که بینش، کنش و گرایش او معیار و میزان برای دیگران است. انسان کامل در بالاترین سطح از این منظر قرار دارد. عامل بار آوردن انسان تراز انقلاب اسلامی تعلیم و تربیت است، که تعلیم و تربیت دارای دو حوزه نظری و عملی است، که حوزه نظری نقش هدایتگری حوزه عملی را بر عهده دارد، یکی از اسناد حوزه نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که در این جایگاه شایسته انسان و چگونگی رسیدن به آن جایگاه تشریح شده است. این جایگاه در سند تحول قرب الی الله است و انسانی که خود را به این جایگاه نزدیک کند انسان معیار و تراز انقلاب اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: تعلیم و تربیت، انسان، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، انقلاب اسلامی، تراز.

مقدمه

در مجموع انسان تراز کسی است که بینش، کنش و گرایش او معیار و میزان برای دیگران است. انسان کامل در بالاترین سطح از این منظر قرار دارد. دیگر موحدان و مومنان به میزان قربشان به انسان کامل، واجد ویژگی های انسان تراز می شوند و رفتارشان می تواند به عنوان الگو، معیار تشخیص حق از باطل مبنا قرار گیرد (سیاهپوش، ۱۴۰۰). از آنجا که انقلاب اسلامی در راستای به فعلیت رساندن استعدادهای نهفته در خود، پس از هر مرحله ای باید با نگاه مجددی که به خود می اندازد، چگونگی ادامه راه را معلوم کند؛ لازم است به عقلی که جایگاه این انقلاب را می شناسد نظر کنیم و آن عقلی است ماوراء عقل غربی که تنها اهداف فرهنگ غربی را مد نظر دارد، وگرنه انقلاب اسلامی در آینده با همان خطری روبه رو می شود که در صدر اسلام با به صحنه آمدن مجدد عقل جاهلی روبه رو شد و عملاً پس از مدتی امویان توانستند معاویه را به جهان اسلام تحمیل کنند. عقلی که موجب قوام انقلاب اسلامی می شود، عقلی است که در کنار نظر به معاش مردم از نظر به عالم قدس و معنویت غافل نیست و برعکس عقل روشنفکری غرب زده که از دولت ها تحقق اهداف فرهنگ مدرن را مطالبه می کند، درصدد مطالبات فرهنگی و معنوی است تا بستر تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی فراهم شود، انسانی که شخصیت معنوی امام «ره» را می فهمد و متوجه است که افق حضرت امام در این انقلاب کجاست (طاهرزاده، ۱۳۹۳). یکی از مصادیق عینی و ملموس که جامع همه ویژگی های انسان تراز انقلاب اسلامی است، شهید سلیمانی می باشد که بیشتر به عنوان یک الگوی مدیریتی در سطح انسان تراز انقلاب اسلامی مطرح است و توانایی های مدیریتی ایشان برجسته شده است.

زیرا که شهید سلیمانی علاوه بر ارائه الگوی موفق مدیر تراز انقلاب، انتظارات جامعه و مردم را از مدیران و مسئولان تراز انقلاب ارتقا بخشیده است. شهید سلیمانی حقیقتاً مصداق کامل مدیریت تراز انقلابی، مردمی و جهادی بود که انتظارات رهبری را به صورت صد درصد برآورده کرده بود. سردار فاتح دل ها بی کم و کاست نماد عینی و واقعی مدیر انقلابی مورد نظر مولای متقیان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در عهد نامه مالک اشتر است. بی شک شرح صفات مدیریتی شهید سلیمانی خود هر یک کتابی مستقل می طلبد مثلاً وقتی گفته می شود شهید سلیمانی محور وحدت بود همه ابعاد وحدت را شامل می گردد. سردار فاتح دل ها، محور وحدت بین احزاب و سلايق سیاسی، وحدت بین اقوام، وحدت بین شیعه و سنی، وحدت بین عرب و عجم، وحدت بین مسلمان و غیر مسلمان بود و از همین جهت است که در شهادت او نه فقط مردم ایران و نه فقط مسلمانان بلکه همه مردم آزاده و ظلم ستیز جهان اقامه عزا کرده و به پا خاستند.

در همین راستا یکی از اسناد نظری که پشتوانه حوزه عملی تعلیم و تربیت می باشد، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد، این سند که محصول بازبینی و تکمیل گزارش نهایی پژوهش «تلفیق یافته های مطالعات نظری طرح سند ملی آموزش و پرورش» است و مفاد این اثر پس از بررسی توسط دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نظرات کمیسیون حوزوی شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بازبینی و اصلاح نهایی واقع شد، لذا با تایید شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان «بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران»، مبنای بررسی و تصویب «سند تحول راهبردی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران» بوده است. تاکید شده است که این منشور که به عنوان بنیان نظری تحول بنیادین به تایید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است مبنای تمام سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و تولید اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. رهبری معظم انقلاب در منویات خویش تاکید بر تربیت انسان تراز انقلابی بر مبنای این سند دارد و می فرمایند:

ما می خواهیم خروجی این دستگاه عظیم، این ماشین بزرگ، یک خروجی ای باشد منطبق بر تفکر اسلامی. خب حالا آن انسان مطلوب جامعه ای اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی چه خصوصیات دارد؟ در این مورد هم البته خیلی صحبت شده - همه صحبت کرده اند، بنده هم مطالبی همیشه عرض کرده ام، دیگران هم گفته اند- اما حالا اگر بخواهیم به طور خلاصه در چند جمله که متناسب با آموزش و پرورش هم هست، آن انسان طراز اسلامی ای را که توقع هست آموزش و پرورش او را تربیت کند معرفی کنیم، این جور تعریف می کنیم که انسانی باشد با این خصوصیات: اولاً مؤمن باشد؛ ایمان اولین شرط است. ثانیاً خردمند

باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد. «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۱) در قرآن ببینید چقدر هست! ثالثاً اندیشمند باشد؛ یعنی فکر کند. عقل فقط برای پیدا کردن راه‌های عملی زندگی نیست؛ عمده برای فکر کردن و اندیشیدن است، که این از دانشمند شدن مهم‌تر است. اگر بخواهیم دانشمندان خوبی داشته باشیم، باید اندیشمندان خوبی داشته باشیم. بعد، دانشمند شدن و کسب علم؛ این هم یک خصوصیت است. مجاهد و اهل عمل باشد؛ یعنی نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن و حرف‌افش کردن کافی نیست، باید اهل عمل باشد که حالا در این زمینه هم بحث‌های زیادی وجود دارد. عمل هم عمل مجاهدانه و پیگیر [است]؛ همان [عملی] که در عرف شرع مقدس اسلام «جهاد» گفته میشود که آن وقت این جهاد در اینجا جهاد فی سبیل الله است، جهاد مورد ترغیب شرع است. انسان با انصافی دربیاید، [انسان] با نظمی دربیاید، متخلّق به اخلاق اسلامی دربیاید؛ اینها خصوصیات انسانی است که ما توقع داریم در آموزشی که شما میدهند و پرورشی که شما می‌کنید، یک چنین انسانی به وجود بیاید (KHAMENEI.IR).

واقعیت انسان و موقعیت او در هستی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

-انسان موجودی دارای فطرت الهی (معرفت و گرایشی اصیل نسبت به خداوند) است، که با اراده آدمی هم قابل فعلیت یافتن و شکوفایی است و هم می‌تواند به فراموشی سپرده شود، اما هرگز نابود نخواهد شد. وجود فطرت الهی در انسان زمینه بسیار مساعدی است که می‌تواند به همه شناخت‌ها، گرایش‌ها و اعمال وی جبهتی الهی دهد و در صیروت آدمی به موجودی کمال جو، دارای آرمان‌های والا و اهداف متعالی و تلاشگر در این جهت، نقش اصلی را ایفا نماید.

-انسان دارای استعدادهای طبیعی قابل رشد و عواطف و تمایلات متنوعی است. هر شخص می‌تواند در صورت وجود زمینه مناسب این استعدادها را فعلیت بخشد و تمایلات و عواطف خود را در جهت مورد نظر به کار گیرد. اما فعلیت یافتن این استعدادهای طبیعی یا به کارگیری عواطف و امیال آدمی، با توجه به وجود آزادی و قدرت انتخاب در انسان، همواره در یک جهت نیست و می‌تواند به‌طور ناقص یا همه‌جانبه، به شکل متوازن یا نامتعادل صورت پذیرد.

-انسان موجودی آزاد (دارای قدرت انتخاب و اختیار) است، حرکت نفس در مرتبه انسانی، امری از پیش تعریف شده نیست، بلکه به اراده و انتخاب او بستگی دارد. از این‌رو حرکت آدمی در جهت صعود یا سقوط، موضوعی نامتعیّن است که در طی زندگی دنیایی به‌طور پیوسته ادامه دارد. بدیهی است که تبیین فلسفی این کوشش سترگ (یعنی تربیت) هرگز در خلأ و بدون توجه به واقعیت هستی ممکن نخواهد بود؛ همچنان که در عرصه مباحث فلسفه محض نیز مباحث انسان‌شناسی نوعاً ذیل مبحث عام هستی‌شناسی قرار داشته است.

-انسان توانایی شناخت جهان هستی و ابعاد مختلف آن را دارد. خداوند به انسان نیرویی عطا کرده است که به واسطه آن می‌تواند از هستی و موقعیت خویش در آن آگاهی یابد. عقل، قابلیت در نوع بشر است که به وسیله آن می‌تواند در صدد ادراک واقعیت‌ها حقائق هستی در همه مراتب و جلوه‌های آن، با کسب انواع علوم حقیقی و اعتباری (البته در حد وسع بشر)، برآید، حق و باطل و صلاح و فساد و صدق و کذب را از هم تمیز دهد، به حقیقت ارزش‌های حق بگردد و در مقام عمل اختیاری نیز به لوازم درک و باور خویش ملتزم گردد و پیوسته با ابداع روش‌ها و ابزار مؤثر، تدابیر مناسب اتخاذ کند، اعمال صالح انجام دهد و موقعیت خود و دیگران را بهبود بخشد. این فعالیت عقل در عین محدود و مخاطره آمیز بودن امکان دست یافتن آدمی به واقعیت هستی و برخی حقایق فراتاریخی درمورد آن و بهبود موقعیت خود و دیگران را براین اساس فراهم می‌آورد. اما فعالیت فکری انسان، چه بسا به لحاظ وجود برخی موانع درونی و بیرونی نسبت به شناخت حقیقت و التزام عملی به لوازم آن، موجب بروز جهل و نادانی، انکار حقایق هستی و مقابله با آن‌ها یا انجام اعمال جاهلانه و ناشایست می‌شود و در نتیجه به تنزل موقعیت خود و دیگران می‌انجامد.

-انسان همواره در موقعیت قرار دارد و می‌تواند آن را درک کند و تغییر دهد. منظور از موقعیت؛ نسبت مشخص، پویا، قابل درک و تغییری (توسط خود و دیگران) است که حاصل تعامل پیوسته فرد- به منزله عنصری آگاه، آزاد و دارای قدرت

انتخاب- با خداوند و گستره‌ای از جهان هستی (خود، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال است (که حقیقت برتر، رب یگانه انسان و جهان و محیط بر همه موقعیت است؛ هرچند انسان از او غافل باشد یا به انکار این حقیقت بپردازد). بنابراین درک و تغییر موقعیت- با توجه به ویژگی آزادی و توانایی انتخاب انسان- می‌تواند در جهت صعود یا سقوط آدمی باشد. انسان موجودی اجتماعی است و شخصیت او تا حد زیادی در اجتماع و تحت شرایط محیطی ساخته و پرداخته می‌شود. یعنی هویت انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می‌پذیرد؛ هر چند این تأثیر هرگز به آن پایه نیست که او را به صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی در آورد. بلکه آدمی می‌تواند در مقابل شرایط محیطی مقاومت نماید یا حتی با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی، بر محیط اجتماعی پیرامون خود تأثیر گذار باشد. انسان در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویا ی خود، نقش اساسی دارد.

انسان با داشتن فطرت الهی، برخورداری از قابلیت عقل و استعدادهای طبیعی و تأثیرپذیری نسبی از عوامل محیطی و وراثتی، در اثر درک موقعیت‌های مختلف و مواجهه اختیاری با آن‌ها، به تدریج واقعیتی مشخص و سیال می‌یابد که از آن با نام هویت یاد می‌شود. «هویت» به‌طور کلی برآیند تعامل اختیاری آدمی با مجموعه‌ای از عوامل و موانع مؤثر بر وجود اوست که در قالب ترکیبی از بینش‌ها، باورها، گرایش‌ها، تصمیمات، اعمال مداوم (فردی و جمعی) و آثار تدریجی آن‌ها به تدریج در درون خود فرد شکل می‌گیرد و به همین منوال متحول می‌گردد. از این رو در نتیجه، هویت متمایز هر انسان، در نهایت محصول اکتساب برخی صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌ها، توسط خود اوست و از این رو، نه تنها امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست، بلکه حاصل تلاش و توفیق شخص -در پرتو اراده و عنایات الهی و البته تا حدودی متأثر از شرایط خواسته و ناخواسته و آگاهانه یا ناخود آگاه حاکم بر زندگی فرد- است. لذا هویت هر شخص، واقعیتی تدریجی، پویا و ناتمام در دو بعد فردی و جمعی است که در نهایت با حضور اختیاری انسان در موقعیت‌های فردی و اجتماعی گوناگون (و متأثر از نحوه درک و تغییر آن‌ها) در طی زندگی این دنیا به تکوین و تحول می‌رسد و در حیات اخروی نیز تداوم می‌یابد. بنابراین تحقق و تحول هویت فردی و جمعی انسان، بیش از هر چیز به جریان منحصربه‌فرد زندگی فردی و اجتماعی هر شخص و معرفت، باور، اراده و اعمال اختیاری (فردی و جمعی) خود او وابسته است. یعنی هر شخص در روند شکل‌گیری و تغییر پیوسته هویت خویش، تا حدود زیادی آزاد و لذا نسبت به آن مسئول است.

انسان با شناخت، باور، میل و اراده و عمل فردی و جمعی، در تغییر موقعیت، تکوین و تحول هویت فردی و جمعی و تعیین آینده و سرنوشت خویش و دیگران تأثیرگذار است.

انسان به‌منزله موجودی خردورز، آگاه، باورمند، دارای اراده و عامل، خود منشأ اصلی عمل (یعنی فعل اختیاری برخاسته از معرفت، باور، میل، اراده، طراحی و عزم) خویش است و با کسب معرفت نگرش، اتخاذ تصمیم و انجام اعمال فردی یا جمعی (شایسته یا ناشایست) که همواره بر اساس مبادی معین و در موقعیتی خاص صورت می‌پذیرد، هم در درک و تغییر موقعیت خویش و دیگران مؤثر است و هم با ایمان (یا کفر) و اراده و عمل صالح (یا ناصالح) و تکرار و تغییر آن، در تکوین و تحول پیوسته هویت فردی و جمعی خود و دیگران و نیز در شکل‌گیری و تغییر مداوم محیط طبیعی و اجتماعی پیرامون خویش نقش می‌آفریند.

خداوند انسان‌ها را با وجود اشتراکات بسیار در استعدادها و علایق دارای برخی خصوصیات، طبیعی، فطرت الهی، بهره‌مندی از عقل و اراده و اختیار و متفاوت آفریده است.

بر اساس این تفاوت‌ها، چگونگی و میزان مسئولیت و نیز گستره زمینه‌ها، امکانات و فرصت‌های تکامل یا تنزل در انسان، گوناگون است. این گونه اختلاف‌ها تابع حکمت الهی و نظام علت و معلولی حاکم بر جهان است و سبب می‌شود تا انسان‌ها (علاوه بر تکالیف مشترک)، بر حسب وسع‌های متفاوت، با تکالیف و وظایف متنوعی مواجه گردند. این تفاوت قابل توجه هم بین افراد و اصناف بشر (به لحاظ جنسیت یا بر حسب نوع و میزان استعدادهای طبیعی و امکانات و شرایط زندگی) وجود دارد و هم در طول زندگی یک فرد و بر حسب شرایط و مقتضیات مراحل رشد رخ می‌نماید.

جایگاه شایسته آدمی در هستی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

-انسان آفریده خداست؛ پس غایت زیست انسانی نمی تواند فارغ از غایت آفرینش باشد و غایت آفرینش انسان، باید با غایت آفرینش جهان هماهنگ باشد.

دست‌یابی به غایت هستی، هدف اساسی آدمی است؛ اما رسیدن به این هدف، با توجه به نیروی اراده و اختیار در آدمی، مستلزم حرکت تعالی‌جویانه انسان از مراتب فرودین زندگانی به سوی حق متعال است. این حرکت، نیازمند تلاش و کوشش مستمر و تعهد نسبت به ارزش‌های متعالی است.

-قرب الی الله مصداق اتم غایت زندگی انسان از منظر دین است و تحصیل همه کمالات مقدمه قرب به خدا و انسانیت انسان در گرو رسیدن به مراتب آن است. مراد از قرب به خداوند، نزدیکی زمانی و مکانی آدمی به حضرت حق نیست؛ بلکه مقصود از آن رابطه‌ای حقیقی بین خدا و انسان است؛ به گونه‌ای که روح انسان در اثر درک، باور و اعمالی خاص (متناسب با غایت آفرینش خویش و براساس خواست و نظام معیار الهی) رابطه‌ای وجودی و آزادانه (اختیاری) با خدای متعال برقرار سازد و به‌طور مداوم آن را تشدید کند و در نتیجه ایجاد چنین ارتباطی مراتب کمال را در وجود خویش محقق سازد. این ارتباط، واقعیتهای تکوینی، ولی حصول آن (به لحاظ مقدمات) امری اکتسابی و اختیاری است. البته این ارتباط وجودی با خداوند (که کمال مطلق و موجود بی‌نهایت است) امری دارای مراتب و درجات است، که می‌تواند به‌طور مدام تشدید شود یا تنزل یابد.

-شرط اصلی قرب الی الله، تحقق توحیدربوبی در همه مراتب و ابعاد زندگی انسان است.

آدمی برخلاف دیگر موجودات عالم تکوین، راه پریچ و خمی به سوی اثبات توحید ربوبی در پیش‌رو دارد. زیرا او بر سر دوراهی انتخاب قرار دارد و می‌تواند (بر اساس اراده تکوینی حق مبنی بر آزادی انسان) توحیدربوبی را بپذیرد یا آن را رد (نظر یا عمل) انکار کند. اما تحقق هستی متعالی و پایدار انسانی برای وصول به آسایش جاودانه، در گرو پذیرش و تحقق توحیدربوبی توسط خود انسان است. هرچند این امر به اثبات فلسفی و تبیین فکری تقلیل نمی‌یابد باید در اندیشه، باور، میل، اراده و عمل فردی و جمعی آدمی نیز تا حد شکل‌گیری صفات و توانمندی‌های شخصیتی (براساس اراده مشیت ربوبی و بالآخره تکوین هویت یک پارچه توحیدی و تحقق تمام ابعاد فردی و اجتماعی حیات آدمی) براین مبنا ظهور نماید. تحقق توحید با قلب، زبان و عمل چنان است که فرد پس از شناخت خدا (که رب یگانه جهان و انسان است)، تنها او را رب خود و دیگران بداند و برگزیند و در مقام عمل فردی و جمعی نیز فقط به ربوبیت او تن دهد؛ یعنی بکوشد تا تمام مراتب و ابعاد حیات فردی و جمعی خود را، صرفاً بر اساس نظام معیار ربوبی-یعنی مبانی و ارزش‌های مقبول رب یگانه انسان و جهان براساس دین حق (اسلام) سامان دهد. بنابراین، می‌توان در بیانی دیگر، ارزش و غایت نهایی حرکت انسانی را تحقق توحید ربوبی در همه مراتب و ابعاد زندگی دانست.

-تحقق حیات طیبه بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار ربوبی، تنها راه قرب الی الله است.

حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار ربوبی است که تحقق آن باعث دست‌یابی به غایت زندگی انسان یعنی قرب‌الهی خواهد شد. تحقق این‌گونه زندگانی، مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار مناسب با دین حق (=اسلام) باشد. بنابراین، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه، تکیه بر ارزش‌های زندگی قرب الی الله و نظام معیار متناسب با آن یعنی مبانی و ارزش‌های مقبول دین اسلام است. زیرا با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال (که یگانه رب حقیقی جهان و انسان است) این نظام معیار، جهت‌آسایی نحوه تحقق حیات طیبه را در همه مراتب و ابعاد آن مشخص می‌نماید. لذا، انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار ربوبی (ایمان به عقائد و ارزش‌های دین حق) و انطباق همه ابعاد زندگی با این نظام (تقوا)، وجه تمایز اساسی حیات طیبه از زندگی غیردینی (سکولار) رایج محسوب می‌شود.

-تحقق حیات طیبه دارای ابعاد فردی و اجتماعی و دربرگیرنده شئون مختلف زندگی آدمی است.

حیات طیبه در حقیقت حاصل ارتقا و استعلای حیات طبیعی و متعارف آدمی، با صبغه الهی بخشیدن به آن است که با پذیرش حاکمیت نظام معیار ربوبی (مبانی و ارزش‌های مقبول دین اسلام) برشئون مختلف زندگی آدمی و انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار تحقق می‌یابد. پس حیات طیبه جنبه‌های گوناگون زندگی متعارف بشر را فرا می‌گیرد. لذا از آن جا که میان جنبه‌های گوناگون حیات آدمی، تعامل و ارتباط وجود دارد، نمی‌توان و نباید در تحقق حیات طیبه هیچ‌کدام از این شئون را از نظر دور داشت یا به‌طور نامتوازن به آن‌ها پرداخت. بنابراین اگرچه حیات طیبه مفهومی یک‌پارچه و کلی است، اما دربردارنده شئون متعدد زندگی متعارف انسان است که در ارتباط و تعامل با هم‌دیگر، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌سازند. این شئون را می‌توان با عنایت به جنبه‌های مختلف وجود انسان و استقلال نسبی آن‌ها به این شرح برشمرد: شأن اعتقادی، اعتقادی و اخلاقی، شأن بدنی و زیستی، شأن اجتماعی و سیاسی، شأن علمی و فناوری، شأن اقتصادی و حرفه‌ای و شأن هنری و زیبایی‌شناختی.

در این میان، البته شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی در بین شئون حیات طیبه، جایگاهی ویژه دارد؛ هم از نظر اولویت و تقدم رتبی این شأن به لحاظ نقش محوری اعتقاد و التزام به نظام معیار ربوبی در همه ابعاد و شئون حیات طیبه و تأثیری که توجه به این جنبه از زندگی در ایجاد تقویت ایمان (= باور به خداوند و انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار ربوبی) و انجام اعمال صالح فردی و جمعی (رفتارهای اختیاری مبتنی بر مبادی معرفتی، میلی و ارادی) با التزام به رعایت تقوا (= انطباق با نظام معیار ربوبی) دارد- و هم از نظر چگونگی ارتباط آن با سایر شئون زندگی انسان که در عین وجود نوعی تمایز و استقلال نسبی، با همه آن‌ها درهم تنیده است (به دلیل شمول معیارهای اعتقادی، عبادی و اخلاقی بر همه شئون زندگی انسان). بنا براین، شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی زندگی با دیگر شئون حیات طیبه متفاوت است و به‌طور طبیعی و منطقی، جایگاه محوری و ممتازی را در تحقق حیات طیبه برعهده دارد.

-مراتب و ابعاد حیات طیبه را می‌توان از منظر دینی مصداق همه مفاهیم و ارزش‌های ناظر به غایت زندگی انسان، که قابل تحقق در زندگی دنیوی بشرنده دانست.

تحقق حیات طیبه در همه ابعاد، از منظر دینی غایت قابل وصولی برای همه اعمال فردی و جمعی آدمیان در زندگی دنیاست. البته حیات طیبه مراتبی دارد که تحقق برخی از آن‌ها را می‌توان با عنایت به علاقه ذاتی همه انسان‌ها نسبت به تداوم و توسعه زندگی پاکیزه، گوارا و متوازن مطلوب فطری و بالفعل همه انسان‌ها دانست و همه افراد جامعه (اعم از دینداران و غیر آنان) را به سوی تحقق حیات طیبه در این مراتب فراخواند. لذا تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آن، نه تنها مقصود همه اعمال فردی و اجتماعی هر انسان دیندار در دنیاست، بلکه وصول به برخی مراتب مقدماتی و یا پیش‌نیاز آن- نظیر تأمین متعادل نیازهای زیستی و طبیعی افراد جامعه در چهارچوب نظام معیار ربوبی (سلامت، آرامش و امنیت و دوری از فقر و تنگدستی....) یا رعایت بعضی از هنجارها و ارزش‌های اخلاقی مورد قبول عموم عقلاء (صداقت، امانتداری، وفای به عهد و عدالت ورزی و...) هم، مقبول نظام معیار ربوبی و بلکه مورد تأکید فراوان همه ادیان الهی است و هم، مورد درخواست هر شخص خردمند و دارای عقل سلیمی است که جلوه‌های التزام عملی به فطرت پاک و طبیعت سالم انسانی، در وجود او باقی باشد. لذا می‌توان و باید تدبیر و تلاش برای تحقق این نوع زندگانی شایسته را از این مراتب مقدماتی و پیش‌نیاز آغاز نمود.

-یکی از ویژگی‌های مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف است.

فرد دارای حیات طیبه، انسانی معتدل است، به طوری که علاوه بر شکوفایی فطرت الهی، به رشد همه‌جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایلات خود بر مبنای نظام معیار اسلامی (به دور از هرگونه افراط و تفریط) دست یافته است و جامعه موصوف به حیات طیبه، یعنی جامعه صالح نیز در مسیر تحقق مفهوم قرآنی «امت وسط» از حد قابل قبولی از همه شاخص‌های اجتماعی «زندگانی سالم و طبیعی (و البته تعالی جویانه) انسان» به‌طور متوازن-البته براساس همین نظام معیار اسلامی- برخوردار است.

-مهم ترین زمینه تحقق حیات طیبیه در بعد فردی آن است که هر یک از افراد جامعه، آماده تحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد شوند و مؤثر ترین بستر تحقق حیات طیبیه در بعد اجتماعی هم آن است که جامعه به لحاظ حیثیت جمعی خود(روابط و اوصاف متکی بر جمع) آماده تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبیه شود.

چگونگی تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی

باید زمینه شکوفایی فطرت الهی انسان را فراهم نمود؛ یعنی سعی شود تا این سرمایه ی ارزشمند خداداد، فعلیت یابد، تثبیت شود و تعالی پیدا کند. تکیه بر فطرت الهی زمینه بسیار مساعدی که می تواند به همه شناخت ها، گرایش ها و اعمال انسان جهت والای الهی دهد در صورت آگاهانه و اختیاری آدمی به موجودی والا، ممتاز و هدف دار نقش اصلی را ایفا می کند و لذا باید در روند تکوین و تحول هویت، با ایجاد مقتضیات و رفع موانع، زمینه های لازم را برای بهره مندی از این سرمایه ی خداداد- که در وجود آدمی به طور خودکار فعال نیست و حتی می تواند بر اثر همراهی فرد با برخی عوامل و موانع محیطی، پنهان یا تضعیف شود- فراهم کرد و آن را فعلیت بخشید، تثبیت کرد و شکوفا ساخت.

باید زمینه هدایت روند رشد استعدادهای طبیعی و تنظیم عواطف و تمایلات انسان به گونه ای همه جانبه، متعادل و هم سو با شکوفایی فطرت، در جهت غایت زندگی انسان(کمال وجودی او = قرب الی الله) مهیا گردد.

با عنایت به ضرورت اختیاری آدمی، فعلیت یافتن این توانایی های خداداد و تعدیل امیال و عواطف به شکل مداوم و در جهت هدف غایی زندگی انسان و کمال وجودی او ضرورت می یابد. لذا پایدار در همه جریان رشد استعدادهای طبیعی(یعنی مجموعه تغییرات پیوسته، بالنده و نسبتا استعدادهای طبیعی انسان (و بهره مندی از عواطف و تمایلات طبیعی باید به گونه ای همه جانبه و متعادل) متناسب با مراحل متفاوت و شئون مختلف حیات و هم سو با شکوفایی فطرت (راهنمایی شود تا در جهت غایت زندگی(قرب الی الله) و براساس هدایت تشریعی الهی قرار گیرد. اما از آن جا که روند رشد استعدادهای طبیعی و تنظیم امیال و عواطف انسان، با وجود تأثیرپذیری از شرایط و عوامل بیرونی، در نهایت به خواست آگاهانه و اراده و عمل خود فرد وابسته است، ضروری است آگاهی و اختیار تا بهره مندی آدمی در طول زندگی از این گونه هدایت، باتوجه به نقش آفرینی خود فرد، صورت پذیرد.

باید در مسیر قرب الی الله، افراد جامعه را جهت تحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد فردی و اجتماعی، بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیاراسلامی آماده ساخت تا زمینه اصلی شکل گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح برهمین اساس فراهم شود. بدون شک مهم ترین زمینه تحقق حیات طیبیه آن است که هر یک از افراد جامعه، آماده تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبیه(براساس ایمان، انتخاب و التزام نظام معیار متناسب با این نوع زندگی برتر و مهبای انجام عمل صالح فردی و جمعی) شوند تا این نوع آمادگی در کلیت جامعه ایجادشود که جامعه صالح (= اجتماع انسانی مطلوب بر اساس نظام معیار ربوبی) با وجود این آمادگی به آسانی تشکیل شود. لذا باید گفت ایجاد این گونه آمادگی در احاد جامعه(به لحاظ تکیه حیات طیبیه بر وجود انسان هایی دارای معرفت و ایمان و توانا درانتخاب و اراده خیرات و اهل فردی و جمعی و نیز دارای روابط جمعی بر اساس نظام معیار اسلامی) چه در سطح عمل صالح فردی و چه در سطح اجتماعی مهم ترین زمینه و عنصر اصلی واقعیت یافتن این نوع زندگی شایسته است.

باید در راستای تحقق حیات طیبیه، زمینه های لازم را جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی افراد جامعه، به منظور شکل گیری و تحول مداوم جامعه ای صالح براساس نظام معیار اسلامی، فراهم آورد. وجود آمادگی در افراد جامعه برای تحقق مراتب حیات طیبیه در همه ابعاد، امری مطلوب و آرمانی است. از آن جا که شکل گیری و تحول هویت از سویی بیش از هر چیز به جریان منحصر به فرد زندگی فردی و اجتماعی هر شخص و اراده و اعمال اختیاری خود او وابسته است و از سوی دیگر روند شکل گیری و تحول مداوم جامعه نیز درآینده بر اعمال و کوشش های فردی و جمعی بسیار تأثیرگذار است، لذا

آدمی برای آماده شدن جهت تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، لازم است در روند تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی خود براساس نظام معیار اسلامی در راستای شکل گیری جامعه صالح و تحول مداوم آن برهمن مبنای نقش آفرینی کند. باتوجه به این که آدمی همواره در موقعیت خاصی قرار دارد و می تواند همواره آن را با تکیه بر خردورزی به درستی درک کند و با اراده و عمل آگاهانه فردی و جمعی تغییر دهد، لذا آدمی باید برای تکوین و تحول پیوسته هویت فردی و جمعی خود در راستای تشکیل و تحول مداوم جامعه ای صالح براساس نظام معیار اسلامی - که شکوفایی فطرت، رشد همه جانبه استعدادهای طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و تمایلات آدمی را نیز به همراه دارد - هم در درک درست موقعیت خویش و دیگران و هم در بهبود مداوم آن براساس انتخاب والتزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی، مؤثر باشد.

هر انسان برای درک مناسب موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن بر اساس نظام معیار اسلامی، باید شایستگی های فردی و جمعی لازم را (نظیر تعقل، معرفت، ایمان، تقوا، انگیزه، توانایی و مهارت جهت انجام اعمال صالح فردی و جمعی) کسب نماید. درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران، حاصل تعامل فردی و جمعی پیوسته انسان) به منزله عنصری آگاه، آزاد و فعال (با خداوند و گستره ای از جهان هستی در محضر حق متعال است و این گونه تعامل، مقتضی معرفت فرد نسبت به خود و اعتماد به خویش که شناسنده و اصلاح کننده موقعیت است و معرفت و باور به خداوند) حقیقت برتر و رب یگانه جهان و واقعیت فراتر هر موقعیت (و کشف و برقراری نسبت عناصر موقعیت با خداوند متعال که مبدأ و مقصد هستی است؛ چه این که هرگونه عمل آدمی نیز دست کم بر مبادی خردورزی، معرفت، باور، میل و اراده متکی است و عمل شایسته جمعی نیز علاوه بر انطباق محتوای آن با نظام معیار اسلامی (= تقوا) و تکیه (= عامل بر ایمان) باور به خداوند و شناخت، انتخاب والتزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی نیازمند تحقق اوصافی جمعی در عاملان (نظیر همراهی و تعاون با یکدیگر در مسیر خیر، توصیه مداوم یکدیگر برحق و تحمل مشکلات، سعه صدر، پذیرش خرد جمعی و پیروی همگان از تصمیمات لازم برای رهبری خردمند و عادل) حاصل می شود و بدیهی است که هیچ یک از این خصوصیات لازم برای درک موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن براساس نظام معیار اسلامی، در وجود انسان ها فعلیت ندارند و لذا باید هر انسان طی فرایندی مستمر، هدفمند و سنجیده، این گونه صفات و توانمندی های لازم (شایستگی های فردی و جمعی) را کسب نماید.

باید جمعی از افراد نسبتاً رشد یافته هر جامعه به منظور هدایت دیگر انسان ها در مسیر قرب الی الله، زمینه های اجتماعی و هدفمند تکوین و تعالی پیوسته انسان ها در مسیر قرب الی الله، زمینه های هویت آن ها را فراهم آورند تا ایشان با کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم، جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای اصلاح آن بر اساس نظام معیار ربوبی، برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آماده شوند. با اینکه براساس ربوبیت الهی و با مشیت و تقدیر رب العالمین، در جریان تکوین هویت آدمی و هرگونه تحول در آن، اراده و عمل اختیاری هر فرد نقش اصلی را برعهده دارد، عوامل پیدا و پنهان بسیاری^۱ نیز در این روند - بطور آگاهانه و عمدی یا به صورت تکوینی (غیر عمدی و حتی نا آگاهانه) - بااذن الهی تأثیر گذارند؛^۲ لذا در این زمینه، با توجه به تعالیم دینی و با پیروی از سیره مربیان الهی و براساس سنت الهی لزوم تکیه بر اسباب و علل، نمی توانیم از تمهید عامدانه شرایط اجتماعی مناسب برای کمک به حرکت آگاهانه و اختیاری دیگران به سوی کمال (یعنی قرب الی الله و تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد) غافل شویم. بنابراین باید، جمعی از افراد نسبتاً رشد یافته هر جامعه، زمینه های اجتماعی و هدفمند هدایت افراد جامعه خود را (با ایجاد مقتضیات و رفع موانع تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان) در راستای شکل گیری جامعه ای صالح، براساس نظام معیار دینی، فراهم آورند تا ایشان با کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر این اساس، برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آماده شوند. هر چند هرگونه توفیق در این مسیر، از سویی منوط به انتخاب و اراده خود فرد و از دیگر سو در گرو اراده و مشیت الهی و در حقیقت وابسته به امداد و تأیید حضرت حق لطف و عنایت ربوبی اوست، که مربی حقیقی آدمیان است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

بطور کلی می توان گفت که انسان تراز انقلاب اسلامی کسی است که تمام سعی و تلاشش مصروف ایجاد حیات طیبه در گستره هستی است. در نگرش اسلامی حیات طیبه مفهومی یک پارچه و کلی اما دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است که هر دو اصالت دارند و لذا نمی توان در مقام تلاش جهت تحقق حیات طیبه، هیچ یک از آن دو را به دیگری فرو کاست یا یکی را بر دیگری به طور مطلق ترجیح داد. هم چنین حیات طیبه، با عنایت به جنبه های مختلف زندگی انسان و استقلال نسبی آن ها از یکدیگر، دربردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با هم، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می سازند و نباید از توجه مناسب به هیچ یک از این شئون غافل شد. به طور کلی می توان شئون گوناگون حیات طیبه را- که به نظر می رسد همه وجوه زندگانی شایسته آدمی در ابعاد فردی و اجتماعی را براساس نظام معیار دینی در برگیرند- به این شرح برشمرد: شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ شأن بدنی و زیستی؛ شأن اجتماعی و سیاسی؛ شأن علمی و فناوری؛ شأن اقتصادی و حرفه ای و شأن هنری و زیبایی شناسی؛ که هر کدام جایگاه مهمی در حیات طیبه -البته با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی حیات طیبه- دارند اما نکته مهم آن است که این شئون مختلف کمابیش، هم در تحقق بعد فردی حیات طیبه و هم در دست یابی به بعد اجتماعی این نوع زندگانی، جلوه گر می شوند.

منابع

- سیاهپوش، امیر (۱۴۰۰)، ویژگی های انسان تراز در مکتب شهید سلیمانی و نقش آن در انتظار، دوفصلنامه علمی تخصصی جامعه مهدوی، سال دوم، شماره دوم، پیاپی ۴.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- طاهرزاده، اصغر (۱۳۹۳)، انسان تراز انقلاب اسلامی، مجله پاسدار اسلام، اسفند ۱۳۹۳ و فروردین ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۳۹۸-۳۹۷.

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای. (<https://farsi.khamenei.ir>)